

تاریخ



نزد محقق داماد فراگرفت. او که کلاس «حاج آقا روح الله» مطابق ذائقه اش بود از جهات اخلاقی و عرفانی نیز به تلمذ از استاد پرداخت و فلسفه و حکمت را نیز نزد علامه طباطبایی فراگرفت.

او در این موقف نماند؛ به سراغ علوم جدید رفت و درس شیمی و فیزیولوژی جانوری را نزد استاد روزبه و درس فیزیک را نزد استاد شهرتاش و قسمتی از ریاضی را نزد استاد خوشنویسان فراگرفت و به تدریس در حوزه‌های علمیه تهران روی آورد.

پادر راه مبارزه

منابر سیاسی او که رنگی از نهضت استادش، امام خمینی داشت از سال ۱۳۴۰ شهره شد و جلسات هفتگی و مساجد تهران میزبانش شدند. ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، دستگیر و زندانی شد. به اتفاق برخی علمای حاضر در تهران همچون حضرات آیات مهدوی کنی، شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید مفتاح و... جلسات مبارزاتی را آغاز کردند که گاه موجب واکنش ساواک می شد. ۲۷ آذر ۱۳۴۸، تشکیلات را توسعه دادند و راجع به اعزام طلاب علوم دینی به شهرستان‌ها و روستاها برای سازمان دادن به فعالیت‌های سیاسی مردم تصمیماتی اتخاذ کردند. این تشکل، به مباحث روز نیز ورود داشت؛ چنانکه طبق کسب اطلاعاتی که ساواک در اسناد خود منعکس ساخته، ۲۷ بهمن ۱۳۴۸ آیت الله محمد امامی کاشانی و جمعی دیگر در منزل آیت الله محمد علی

نخستین چالش‌های حوزوی

«محمد آقا امامی» دهم مهر ۱۳۱۰ در کاشان به دنیا آمد. ۱۷ سال داشت که آیت الله خالصی زاده، از فعالان قیام ضد انگلیسی عراق (ثوره العشرین) که به یزد تبعید شد، در کاشان نیز حضور یافت و او هم به حلقه جلسات این مبارز پیوست. عالم مبارزی که در مبانی اندیشه‌ای راهی پرحاشیه برگزیده بود و چالش او با علما سختی تبعید را برایش افزوده بود. شاید همین مواجهه بود که او را به توجه بیشتر به عمق افکار فراخواند.

یک سال بعد به سفارش آیت الله میرسید محمد یثربی به مدرسه عالی سپهسالار تهران رفت، ولی بیشتر از دو ماه در آنجا نماند و به علت ناراحتی از اوضاع تهران و به اصرار پدرش به کاشان بازگشت. شاید خودش هم گمان نمی کرد آن حضور دو ماهه، او را نمک گیر کند و سال‌ها تولید او را نمک گیر کند و همراهی با حجه‌های پرشور از جوانان انقلابی را برایش به ارمغان آورد.

این بار با نامه‌ای که پدرش میرزا ابوتراب، عالم خوشنام کاشان برای آیت الله العظمی بروجردی نوشته بود به قم رفت و با خواندن اشعار الفیه این مالک از حفظ، جواز ماندن گرفت و با آیت الله محمد رضا مهدوی کنی هم جهره شد.

از محضر استادان گوناگونی همچون شیخ عباس قمی، آیت الله مرعشی نجفی و... بهره برد و در ۲۳ سالگی، آموختن درس خارج فقه را نزد امام خمینی آغاز کرد و بخشی از اصول را

در سوگ ارتحال آیت الله محمد امامی کاشانی

همیشه حاضر در مصاف اندیشه

محمد مهدی اسلامی
نویسنده و پژوهشگر

«حادثه کربلا، مرکز فکر و اندیشه برای ما است.» این اولین جمله نماز جمعه آیت الله امامی کاشانی در هشتم آبان ۱۳۶۰ بود، روزی که برای اولین بار به عنوان امام جمعه موقت به دانشگاه تهران آمده بود. از آخرین بار که امام جمعه دائم تهران به پشت این تریبون آمده بود، چهار ماه گذشته بود و با توجه به ضرورت ایراد ایستاده خطبه، هنوز شرایط جسمی ایشان بعد از ترور نافرجام اجازه بازگشت به این جایگاه را نمی داد. در تمام این مدت، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نماز را اقامه کرده بود، اما او نیز به عنوان رئیس مجلس مشغله‌های فراوان داشت. آن روز، به دستور امام خمینی آیت الله امامی کاشانی اسلحه در دست گرفت تا همزمان با طرح فهد، ولیعهد وقت عربستان برای صلح با اسرائیل و تغییر در میانه این طوفان شور و احساسات برخاسته در فضای عمومی که از داخل مرزها با اعلام جنگ مسلحانه سازمان منافقین گرفته تا سرزمین اشغالی دنیا را فرا گرفته بود، آیت الله در اولین جمعه محرم به جای تمرکز بر عواطف، به سراغ تحلیل اندیشه‌ای عاشورارفته بود و چهار دسته را در آن واقعه بررسی کرد. این مشی او، سابقه در سال‌های دورتر داشت.



عالم مبارزی که در مبانی اندیشه‌ای راهی پرحاشیه برگزیده بود و چالش او با علما سختی تبعید را برایش افزوده بود. شاید همین مواجهه بود که او را به توجه بیشتر به عمق افکار فراخواند